

دو فصلنامه علمی تاریخ نگری و تاریخ نگاری دانشگاه الزهراء (س)
سال سی و یکم، دوره جدید، شماره ۲۸، پیاپی ۱۱۳، پاییز و زمستان ۱۴۰۰
مقاله علمی - پژوهشی
صفحات ۸۰-۶۱

بازنمایی تحولات مطبوعاتی آمریکا در جراید عصر قاجار و تأثیر آن بر فرایند روزنامه نگاری این دوره^۱

فرشته جهانی^۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۸/۰۸

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۳/۲۶

چکیده

مطبوعات اعم از نشریات، روزنامه‌ها و مجلات، یکی از ارکان مهم جریان روشنفکری و تحول خواهی در ایران عصر قاجاریه بودند. یکی از راهبردهای مؤثر اصحاب جراید برای آگاهی بخشی و ایجاد مطالبه گری در بین مردم، معرفی رسانه‌ها و بیان اهمیت آن‌ها در سیر ترقی و نواندیشی در جوامع غربی بود. در میان کشورهای مختلف، وضعیت جراید آمریکا به عنوان الگو مدنظر دگراندیشان و فعالان مطبوعات در عصر قاجاریه قرار گرفت. نوشتار حاضر با رویکرد تبیینی و با تکیه بر مفهوم تجدد خواهی و گفتمان انتقادی اصلاح طلبان دوره قاجاریه به این پرسش پاسخ می‌دهد که جراید ایرانی در این دوره چگونه سیر ترقی مطبوعات در آمریکا را معرفی می‌کردند و این آگاهی بخشی چه دستاوردهایی برای ایرانیان داشت. با تحقیق و تفحص در مطبوعات عصر قاجاریه و اسناد منتشر نشده وزارت خارجه این فرضیه مطرح شد که دگراندیشان ایرانی به صورت روشمند، با نگارش مقالات متعدد در خصوص رونق و شکوفایی مطبوعات در آمریکا، نقش جراید در ایجاد تحول و ترقی اجتماعی و سیاسی در این کشور را تبیین کرده و بر این باور بودند که ایجاد تحول در ساختارهای اجتماعی و سیاسی ایران نیز مستلزم توسعه مطبوعات و آگاهی بخشی از طریق آن است. باور به الگوپذیری از تجربه آمریکا، اصحاب جراید و دیپلمات‌های ایرانی در واشنگتن را به گسترش مطبوعات و بهبود وضعیت کمی و کیفی آن در ایران عصر قاجاریه تشویق کرد. ورود صنعت چاپ از آمریکا و شرکت در کنگره جراید این کشور نیز در راستای همین الگوپذیری انجام شد.

کلیدواژه‌ها: مطبوعات آمریکا، مطبوعات قاجار، صنعت چاپ، ترقی خواهان، دیپلمات‌ها.

۱. شناسه دیجیتال (DOI): 10.22051/hph.2022.38298.1574

شناسه دیجیتال (DOR): 20.1001.1.20088841.1400.31.28.2.9

۲. استاد مدعو دانشگاه ایلام، ایلام، ایران. fereshtejahani65@gmail.com

مقدمه

شناخت ایرانیان از آمریکا در ابتدای دوره قاجاریه محدود به جغرافیای طبیعی و انسانی و چگونگی کشف قاره آمریکا بود. این آگاهی‌ها بیشتر در متون جغرافیایی همچون تاریخ جهان‌نما و جغرافی نویسنده موسی ژان داود و جغرافیا جهان‌نما نوشته رافائیل فلوغون و سفرنامه‌هایی چون تحفه العالم و ذیل التحفه نوشته میرعبداللطیف شوشتری و مرآت الاحوال جهان‌نما نوشته احمد کرمانشاهی بهیچانی بازتاب یافت؛ اما به تدریج شناخت ایرانیان از آمریکا به این اطلاعات محدود نماند آن‌ها به‌ویژه از دوره ناصری به بحث و گفت‌وگو در خصوص پیشرفت‌های شگفت‌انگیز آمریکا و تجزیه و تحلیل ریشه‌های موفقیت آن کشور در عرصه‌های گوناگون نظام فرهنگی پرداختند، یکی از این عرصه‌ها جایگاه مطبوعات در آمریکا بود که منابع این دوره سرعت ترقی آن را در این کشور به سحر و جادو تشبیه می‌کردند (اختر، ۱۳۰۵: ۳۹۸۰ و ۳۹۷۹).

ناگفته نماند که در اوایل قرن نوزدهم و به دنبال گسترش سلطه جهانی اروپا و توسعه نظام سرمایه‌داری و پیشرفت انقلاب صنعتی برخورد تاریخی جدید میان ایران و غرب رخ داد. در این راستا روزنامه‌نگاری نیز مانند بسیاری از نهادهای اجتماعی و فرهنگی نوین غرب در ایران اقتباس شد. به بیان روشن‌تر پادشاهان قاجاریه برای جبران عقب‌ماندگی‌ها و ناتوانی‌های صنعتی و علمی و اقتصادی ممالک خویش در مقابل قدرت‌های بزرگ اروپایی، نهادهای آموزشی، فرهنگی و... که مظاهر و نتایج دگرگونی‌های عمیق و طولانی کشورهای اروپایی در دوره پس از رنسانس به شمار می‌رفت، مورد تقلید قرار دادند؛ بنابراین در وهله نخست روزنامه‌نگاری اروپای باختری مدنظر ایرانیان عصر قاجاریه بود.

البته بعد از دوره مشروطه به دلیل بالارفتن آگاهی قشر روشنفکر و ترقی خواه از پیشرفت‌های حیرت‌انگیز آمریکا و به‌ویژه گزارش‌های دیپلمات‌های ایرانی در واشنگتن که از نزدیک شاهد پیشی گرفتن آمریکا در عرصه ارتباطات و مطبوعات از سایر کشورها جهان شده بودند، به این کشور توجه بیشتری شد. طوری که بسیاری از نمایندگان ایران در آمریکا در گزارش‌های خود به وزارت خارجه نوشتند، الگوبرداری از اروپا دیگر جوابگو نیست و باید در بسیاری از عرصه‌ها از جمله عرصه فرهنگی به آمریکا روی آورد (استادوخ، شماره ۱۶-۱۴؛ استادوخ، شماره ۴-۲).

در خصوص پیشینه مقاله حاضر باید اذعان داشت تاکنون پژوهشی مبتنی بر بررسی جایگاه مطبوعات آمریکا از نگاه ایرانیان دوره قاجاریه نوشته نشده است، اما در خصوص مطبوعات و صنعت چاپ در دوره قاجاریه مقالات و کتاب‌های متعددی به نگارش درآمده است که از جمله این آثار می‌توان به مقاله نگاهی به منابع تاریخ روزنامه‌نگاری ایرانی و فارسی نوشته

ناصرالدین پروین، کتاب اولین‌های مطبوعات ایران و مطبوعات ایران در قرن بیستم اثر سید فرید قاسمی، مطبوعات در ایران از آغاز تا ظهور پهلوی اول نوشته غلامرضا خواجه سروری و سید وهاب نازاریان و صنعت چاپ و سهم آن در توسعه علمی و فرهنگی و فکری ایران عهد قاجاری نوشته محمدرضا علم و احمد غلامی زرنه اشاره کرد.

پژوهش پیش رو که به لحاظ زمانی از اواسط دوره ناصری تا اواخر دوره قاجاریه را در برمی‌گیرد، می‌کوشد با رویکردی تبیینی به این پرسش پاسخ دهد که سیر ترقی مطبوعات آمریکایی در جراید ایرانی عصر قاجاریه چگونه بازتاب یافت و نتایج آن چه بود. با تحقیق و تفحص در مطبوعات عصر قاجاریه و اسناد منتشر نشده وزارت خارجه این فرضیه مطرح شد که مطبوعات و محافل روشنگری این دوره از طریق نگارش مقالاتی با روح تجددخواهی، ضمن بررسی سیر رشد کمی نشریات در آمریکا و جایگاه مطبوعات در عرصه اجتماعی و سیاسی این کشور و به دنبال آن تأکید بر الگوسازی از آمریکا به مثابه کشوری مترقی و متمدن، نشان دادند که وجود مطبوعات پویا، آزاد و وزین، یکی از ویژگی‌های مهم جوامع متمدن و یکی از اقدام‌های ضروری برای نجات ایران از عقب‌ماندگی است. این تلاش‌ها ضمن اینکه منجر به تنویر افکار عمومی شد، نوعی اشتیاق به نوآوری و تغییر متأثر از دنیای جدید را در میان جامعه ایران ایجاد کرد همچنین دولتمردان را به ورود صنعت چاپ از آمریکا و شرکت در کنگره جراید این کشور متقاعد کرد.

نگاهی به وضعیت مطبوعات در ایران عصر قاجاریه

به دنبال شکست‌های ایران در جنگ با روس‌ها عباس میرزا تصمیم به نوسازی گرفت وی یکی از ضروری‌ترین راه‌های رفع عقب‌ماندگی کشور را در تقویت نظام فرهنگی می‌دانست. به همین دلیل تعدادی محصل را برای اخذ علوم و فنون جدید راهی غرب کرد که از نتایج فوری آن ورود مطبوعات به ایران بود. میرزا صالح شیرازی که برای ادامه تحصیل به انگلستان رفته بود با اقتباس از *Newspaper* اروپایی روزنامه‌ای با نام *کاغذ اخبار* (۱۲۵۶-۱۲۵۳ق) را منتشر کرد؛ بنابراین روزنامه‌نگاری در ایران تحت تأثیر روند روزنامه‌نگاری در غرب شکل گرفت. هرچند این روزنامه زمان طولانی منتشر نشد، اما سنگ بنایی برای انتشار و گسترش روزنامه در دوره ناصری شد. نخستین نشریه عهد ناصری که به وسیله میسیونرهای آمریکایی منتشر شد *زهریر دباہرا*^۱، دومین روزنامه ایران به معنای پرتو روشنائی به زبان آسوری در ارومیه انتشار

۱. در بسیاری از منابع پژوهشی نام این روزنامه را به تقلید از ادوارد براون در تاریخ مطبوعات و ادبیات ایران در دوره مشروطیت «زاراریت باہرا» نوشته‌اند که نادرست است، همچنین تاریخ انتشار آن هم به اشتباه ژانویه ۱۸۵۱م ذکر کرده‌اند.

یافت. نخستین شماره این روزنامه در نوامبر ۱۸۴۹ ذی‌الحجه ۱۲۶۵ منتشر شد و نشرش به‌صورت ماهانه تقریباً ۶۹ سال ادامه یافت. زاهریر دباها در ده‌ساله نخست انتشارش سراسر مذهبی بود و اگرچه پس از آن محتوای متنوع‌تری پیدا کرد، همواره به مناقشه قلمی و جدال مذهبی با نسطوریان و کاتولیک‌ها ادامه داد (پروین، ۱۳۷۷: ۱/۱۳۵ و ۱۳۶). این روزنامه هدف خود را بالابردن «سطح فرهنگ» و «دانش مردم» و «تزکیه قلوب» آن‌ها نوشت (قاسمی، ۱۳۸۰: ۱۲۲ و ۱۲۱). از این لحاظ باید آمریکاییان را از جمله نخستین بانیان چاپ روزنامه در ایران دانست.

باید گفت که مطبوعات داخلی در عهد ناصرالدین‌شاه دولتی بودند به این معنا که «نخستین توقع سیاسیون حاکمیت از مطبوعات این بود که وظایف یک واحد تبلیغاتی را برای دستگاه به انجام برساند و به آنچه مطبوعات خارجی درباره‌ی جور حاکمان در ایران می‌نویسند، پاسخ دهند.» (قاسمی، ۱۳۸۰: ۲۹۴) در این دوره برخی از محدودیت‌ها برای مطبوعات داخلی وجود داشت تا اینکه در دوره‌ی مظفرالدین‌شاه تا حدودی گشایشی در فضای مطبوعات به وجود آمد و مجوز انتشار نشریه به بخش خصوصی هم واگذار شد. در واقع بازشدن فضای فرهنگی موجب شد روزنامه‌ها مطالب انتقادی خود را افزایش دهند (زارع، ۱۳۸۸: ۴۳). به‌طور کلی باید اذعان داشت در دوره‌ی قاجاریه نظام فرهنگی به‌طور عام و علم و جایگاه مطبوعات به‌طور خاص در وضعیت مناسبی نبودند، این در حالی بود که مصلحان و ترقی‌خواهان مسلط‌شدن ملل غرب بر دیگر ملل جهان را نتیجه‌ی ترقی علم و دانش و آزادی مطبوعات در این کشورها می‌دانستند. آن‌ها همچنین اساس تمام معایب و خرابی‌های ایران را علاوه بر بی‌علمی در بی‌توجهی به مطبوعات می‌دانستند و برای اثبات مدعای خود به مقایسه‌ی نظام فرهنگی ایران با آمریکای تازه نویافته می‌پرداختند.

سیر شکل‌گیری و تکوین مطبوعات در آمریکا

الف. رشد کمی نشریات آمریکا از منظر مطبوعات دوره‌ی قاجار

بحث از مطبوعات، شمار و انواع آن‌ها و بسیاری از دیگر مسائل مربوط به آن به‌طور مفصل در روزنامه‌های دوره‌ی قاجاریه بازتاب می‌یافت. در این راستا ترقی‌خواهان پیشرفت کشورهای متمدن را نتیجه‌ی رشد مطبوعات و آزادی عمل آن اعلام می‌کردند. برای نمونه روزنامه‌ی *ناصری* مطبوعات را نخستین واسطه‌ی اشاعه و ترویج تمدن می‌دانست (ناصری، ۱۳۱۵: ۱۲). همچنین *حبل‌المتین* بر این باور بود که «ترقی و تدنی هر دولتی بسته به زیادبودن جراید آن کشور است.» (حبل‌المتین، ۱۳۲۶: ۴) در این خصوص دانشمندان ممالک متمدن به این واقعیت که ترقیات آنان نتیجه‌ی توسعه‌ی دایره‌ی علم و دانش بود، اذعان داشتند و معتقد بودند امروزه هر ملت

و مملکتی مترقی و متمدن‌تر است که جراید و روزنامه‌جاتش بیشتر باشد و می‌افزودند که فواید جراید و اهمیت آن به حدی است که ملل متمدن قسمت عمده‌ای از اوقات خود را صرف مطالعه روزنامه می‌کنند و حتی اغلب دانشمندان و سیاست‌مداران جهان نیز مطالعات خود را منحصر به خواندن جراید کرده‌اند (حبیل‌المتین، ۱۳۱۹: ۱۷۳). بر این اساس جراید این دوره شمار روزنامه‌های هر کشور را معیار ترقی و تنزل آن کشور می‌دانستند.

آمریکا از جمله کشورهایی بود که سیر رشد کمی نشریات آن در ایران دوره قاجاریه به‌دقت دنبال می‌شد. بنا به روایت روزنامه *حبیل‌المتین* یکی از نخستین جریده‌های آمریکا بوستون نیوزیلند بود که انتشار آن از سال ۱۷۰۳م/ ۱۱۱۴ق آغاز شد^۱ (حبیل‌المتین، ۱۳۲۹: ۱۹). به روایتی دیگر قدیمی‌ترین نشریه ادبی و سیاسی این کشور مجله *آمریکی* به شمار می‌رفت که شماره نخست آن در ۱۷۱۴م/ ۱۱۲۶ق منتشر شد. نویسندگان این مجله از طبقه «گلاستون و روزبری»^۲ و سایر مشاهیر سیاسیون بوده‌اند. از جمله ویژگی‌های منحصر به فرد مجله *آمریکی* این بود که هرگز اعلان قبول نمی‌کرد و شمار مشترکین آن که مخاطبانی خاص بودند کلاً ۵۰ هزار نفر بود که از حیث علم، دانش، ادب معادل ۳۰۰ هزار نفر بودند! (بهار، ۱۳۲۹: ۶۲۰) اما با گذشت زمان تحول کمی و کیفی عظیمی در عرصه مطبوعات و روزنامه‌نگاری آمریکا ایجاد شد و شمار روزنامه‌ها فزونی یافت.

در خصوص شمار نشریاتی که در آمریکا نشر یافته بودند و جزئیات مفصل مربوط به آن‌ها، آمارها و ارقام فراوان و غالباً متناقضی ارائه شده است. مطبوعات با نوعی ستایش متمایل به اغراق و مبالغه‌گویی، اهمیت روزنامه و فرهنگ روزنامه‌خوانی در آمریکا را توصیف کرده‌اند. به‌طور خلاصه آنچه از مجموع این داده‌ها و اطلاعات استنباط می‌شود این است که از سال ۱۲۹۷ تا ۱۳۲۴ق/ ۱۸۸۰ تا ۱۹۰۶م تعداد جراید آمریکا سه برابر شده و این روند روز به روز در حال افزایش بوده است (حبیل‌المتین، ۱۳۲۶: ۴). بر این اساس شمار روزنامه‌های آمریکا را در سال ۱۲۹۶ق (۱۲۵۷ش) برابر با ۹ هزار و ۲۲۵ عنوان (ایران، ۱۲۹۶: ۱۶۶۴) و در سال ۱۳۲۴ق

۱. نخستین روزنامه آمریکایی پولیک اکوارنس نام داشت که در ۱۶۹۰م در شهر بستون که بنجامین هاریس آن را منتشر کرد و همان گونه که روزنامه *حبیل‌المتین* به روزنامه *بستون نیوزلتر* اشاره کرده است، این روزنامه دومین روزنامه منتشر شده در آمریکا بوده است که جام کامل در ۱۷۰۳م آن را به چاپ رسانده است (فرناندوترو، ۱۳۶۳: ۲۸).

۲. این دو از شخصیت‌های بزرگ سیاسی بریتانیا در قرن نوزدهم بودند و ارتباطی با آمریکا و مردم آن کشور ندارند؛ زیرا آمریکایی‌ها در جریان جنگ‌های استقلال، در سال ۱۷۸۳م/ ۱۱۹۷ق از تابعیت بریتانیا خارج شده بودند، اما منظور نویسنده از آوردن این اسامی این است که نویسندگان آمریکایی نشریه مزبور به لحاظ بزرگی و عظمت در سطح افرادی چون گلاستون و روزبری بودند.

حدود ۲۳ هزار و ۶۵۴ عنوان ذکر کرده‌اند (چهره‌نما، ۱۳۲۴: ۴ و ۳). ادعا می‌شد همه‌روزه بیش از پنج میلیون نسخه روزنامه چاپ و میان مشتریان توزیع می‌شد (اختر، ۱۳۱۱: ۶۶۳۵). همچنین نشریات این دوره نوشته‌اند که بر اساس سرشماری‌های صورت گرفته از همه کشورهای جهان معلوم شده که در تمام دنیا ۴۱ هزار روزنامه وجود دارد که از این تعداد تقریباً نصف آن یعنی ۱۹ هزار و ۸۵۵ روزنامه در آمریکا نشر می‌شود و نظر به اینکه زیاد بودن مطبوعات و جراید مقیاس درجات ترقی ممالک است، آمریکا در میان آن تمدن و ترقی گوی سبقت از همگان ربوده و بر تمام ملل پیشی گرفته است (گنجینه فنون، ۱۳۲۱: ۱۳۲).

طبق گزارش سال ۱۳۳۰ ق (۱۲۹۰ ش) در آمریکا ۲۲ هزار و ۸۰۶ نشریه منتشر می‌شد که ۲ هزار و ۴۷۹ مورد از این میزان به صورت روزنامه، ۱۶ هزار و ۲۶۹ مورد به صورت هفتگی و ۲ هزار و ۷۶۹ جریده نیز به صورت ماهیانه انتشار می‌یافت. ادعا می‌شد ۲۰۰ عنوان از روزنامه‌های پرتیراژ آمریکا هر یک روزانه تا ۱۰ میلیون نسخه منتشر و پنج مجله نیز وجود داشتند که از هر یک پنج میلیون نسخه چاپ می‌شد (چهره‌نما، ۱۳۳۰: ۱۵ و ۱۴). از آنجا که در آمریکا اقوام مختلفی زندگی می‌کردند اخبار و روزنامه‌ها، علاوه بر زبان انگلیسی که زبان عمومی بود به ۲۳ زبان دیگر از جمله عربی و چینی و... منتشر می‌شد (حبل‌المتین، ۱۳۱۵: ۲۱۹). همان گونه که مشاهده شد آمریکای نویافته به سرعت چشمگیری در زمینه نشر جراید رشد کرد، به طوری که شمار تیراژ نشریات این کشور از تمام کشورهای دنیا بیشتر بود، اما به راستی دلیل استقبال و توجه آمریکایی‌ها به مطبوعات چه بود؟

ب. جایگاه مطبوعات در آمریکا و مقایسه با ایران

استقبال چشمگیر مردم آمریکا از مطبوعات یکی از مسائلی به شمار می‌رود که حیرت فعالان عرصه مطبوعات در ایران را برانگیخت، به نحوی که آن‌ها در گزارش‌های متعدد به واکاوی و چرایی دلایل این استقبال توجه کردند. برای نمونه *روزنامه ثریا* نوشت: «خواندن روزنامه برای این مردم از خوردن نان واجب‌تر بود» (ثریا، ۱۳۱۶: ۶) این مردم بدون روزنامه اصلاً نمی‌توانستند، گذران کنند و روزنامه از جمله نیازهای اولیه آن‌ها بود؛ به همین دلیل بسیاری از روزنامه‌ها روزانه در چند نوبت و حتی به روایتی در ۱۰-۵ بار چاپ می‌شدند (ایران نو، ۱۳۲۸: ۴)، حتی در زندان‌ها نیز زندانیان بیکار نمی‌نشستند و ۳۰ عنوان روزنامه تنها در این زندان‌ها چاپ و توزیع می‌شد (ناصری، ۱۳۱۵: ۱۲). این استقبال چشمگیر را از نحوه توزیع روزنامه‌ها در آمریکا هم می‌توان به خوبی دید. در این راستا *روزنامه اختر* تصویری چشمگیر از چگونگی توزیع روزنامه به مشتریان و استقبال پرشور مردم را ارائه می‌دهد (اختر، ۱۳۱۱:

۶۱۰). طبیعتاً روزنامه‌های منتشرشده در شهرهای بزرگ آمریکا می‌بایست در سراسر آن مملکت پهناور توزیع می‌شد. برای این اقدام قطار کالسکه مخصوص حمل روزنامه‌ها به نام «قطار گازت» داشتند که بسیار پرسرعت بودند (ایران، ۱۳۹۲: ۹۷۹). اگرچه این اشارات شاید به‌ظاهر چندان اهمیتی نداشته باشند، مخاطبان با مطالعه چنین مطالبی بیش‌ازپیش به پیشرفت آمریکا و عقب‌ماندگی ایران و لزوم تغییر و تحول همه‌جانبه در کشور پی می‌بردند.

واقعیت این بود دولت یا فعالان حوزه مطبوعات یا هر دوی آن‌ها برای ترغیب مردم به روزنامه‌خوانی از هیچ اقدامی دریغ نکرده بودند. در رابطه با نمونه‌ای از حمایت دولت از مطبوعات و روزنامه‌نگاران باید به نقطه‌نظرات دکتر «لوز» از رجال بزرگ آن زمان آمریکا اشاره کرد که کلیه دستاوردهای آن کشور را از برکت توجه به اخبار می‌دانست و بر این باور بود که بایستی مدرسه‌ای خاص جهت آموزش اصول و قواعد اخبارنگاری تأسیس و سپس کتاب‌هایی در این رابطه تألیف شوند (حبل‌المتین، ۱۳۱۹: ۱۸)؛ بنابراین آمریکایی‌ها بر لزوم تأسیس مدارس مخصوص جهت آموزش اصول و قواعد خبرنگاری تأکید داشتند.

اما در آمریکا همچون بسیاری از دیگر عرصه‌ها، در زمینه مطبوعات هم علاوه بر دولت، مراجع دیگری نیز رسالت ترویج فرهنگ روزنامه‌خوانی را پیش می‌بردند. یکی از این مراجع افراد نیکوکاری بودند که روی هم‌رفته در بسیاری از حوزه‌های مربوط به علوم و معارف همواره از هیچ نوع مساعدتی خودداری نمی‌کردند. برای نمونه، به موجب وصیت مسیو پولیش روزنامه‌نگار بعد از مرگ وی پنج میلیون فرانک از ثروتش به ترویج علم روزنامه‌نویسی اختصاص یافت (بهار، ۱۳۲۹: ۷۶۳ و ۷۶۲). مستر جانراک فیلیپر یکی دیگر از چنین نیکوکاران معارف‌خواهی بود که ۲ میلیون و ۳۰۰ هزار پوند برای احداث یک روزنامه کمک کرده بود. واکنش روزنامه‌چهره‌نما به این خیر ستایشی توأم با ابراز تأسف شدید بود: «این چه همت و غیرتمندی است که در راه معارف‌پروری مستر جانراک فیلیپر کرده است که قابل تمجید باشد. مستر موصوف بیاید از هم‌وطنان ما فتوت را یاد بگیرد که از دنائت طبع و خست ذات و پستی فطرت و معارف‌گشتی شبانه‌روز مترصد هستند که اگر دایره معارف ملی و اداره روزنامه وطنی‌شان باز است، خراب کنند.» (چهره‌نما، ۱۳۲۴: ۱۵ و ۱۴)

علاوه بر افراد نیکوکار خود روزنامه‌ها هم برای ترویج هر چه بیشتر فرهنگ روزنامه‌خوانی میان مردم دست به ابتکارات شایان توجهی می‌زدند، برای نمونه، به موجب گزارشی از روزنامه اطلاع در سال ۱۳۰۶ ق (۱۲۶۷ ش) در آمریکا سه روزنامه منتشر می‌شد که در روی خمیری به حجم و سفتی کاغذ چاپ می‌شد. مشتریان پس از خواندن این روزنامه‌ها، آن‌ها را می‌خوردند!

۱. برای اطلاع بیشتر در این خصوص (رک: جهانی و رحمانیان، ۱۳۹۹: ۹۹-۷۹).

علاوه بر این روزنامه‌های خوردنی، باز در آمریکا دو روزنامه دیگر منتشر می‌شد که در آن‌ها به جای کاغذ، از برگ‌های صاف و بی‌رگ توتون سیگار استفاده می‌شد؛ به نحوی که مشتری روزنامه پس از خواندن روزنامه آن را مانند سیگار پیچانده و می‌کشید. همچنین برخی از مدیران روزنامه‌های آمریکا در راستای جلب مشتری حتی متعهد می‌شدند که هنگام فوت مشتریان خود هزینه‌های مربوط به کفن و دفن آن‌ها را تقبل کنند. روزنامه‌ای دیگر نیز مشتریان خود را در هر پنج هفته یکبار به ضیافت دعوت می‌کرد و با غذاهای خوب از آنان پذیرایی می‌کرد (اطلاع، ۱۳۰۶: ۴ و ۳). علاوه بر موارد فوق باید به این واقعیت هم اشاره کرد که بخش عظیمی از ترویج روزنامه‌خوانی در آمریکا مرهون کار حرفه‌ای فعالان عرصه مطبوعات در جمع‌آوری اخبار و داده‌های جدید بود و خبرنگاران برای حفظ مخاطبان خود همواره در تلاش بودند اخبار جدید و ثمربخش فراهم کنند (ناصری، ۱۳۱۶: ۱۱)؛ بنابراین بایستی متوجه این حقیقت بود که استقبال حیرت‌انگیز آمریکایی‌ها از روزنامه ریشه در عواملی مختلف داشت و پدیده‌ای اتفاقی و یک‌شبه نبود.

ارائه چنین روایات، توصیف‌ها و گزارش‌های ستایش‌آمیز از جایگاه مطبوعات در آمریکا با انتقاد و ابراز تأسف شدید از وضعیت روزنامه و روزنامه‌خوانی در ایران توأم شد، آن‌گونه که روزنامه‌تیریا نوشت: «بزرگان ملت ما شاید سال‌تاسال اطلاع از اخبارات خانه خودشان ندارند تا چه رسد از پلوتیک خارجه آگهی یابند و از سیاست دول مطلع شوند، هفت کشور ایران هفت روزنامه ندارد.» (تیریا، ۱۳۱۶: ۶) اگرچه این اظهارنظر اغراق‌آمیز است، ادعای مهم‌تر اینکه برخلاف آمریکایی‌ها که به طیب خاطر هزینه اشتراک سالانه روزنامه‌هایشان را پرداخت می‌کردند در ایران ضمن آنکه مخاطبان روزنامه‌ها محدود بودند، آن بخش از مردم هم که برخی اوقات روزنامه‌ای می‌گرفتند و می‌خواندند هنوز هم در پرداخت هزینه آن در تردید بودند و برای پرداخت آن استخاره می‌کردند و عجیب‌تر آنکه حتی ایرانیانی که سال‌ها در خارج از کشور بودند نیز در نهایت تظاهر به انسانیّت و معارف‌خواهی از پرداخت هزینه روزنامه اکراه داشتند (چهره‌نما، ۱۳۳۰: ۱۵ و ۱۴).

نکته دیگری که باید به آن توجه کرد، این بود که در این دوره بسیاری از روشنفکران به این واقعیت پی برده بودند که برای ترقی کشور باید مطالبی را در نشریات بازتاب داد که مانند آمریکا زمینه بیداری مردم را فراهم کند نه مطالبی که بارها تکرار شده‌اند و هیچ دردی را دوا نمی‌کند. در این خصوص حسین‌قلی‌خان صدرالسلطنه نخستین سفیر ایران در واشنگتن که به اهمیت روزنامه و روزنامه‌خوانی نزد آمریکاییان پی برده بود ضمن ابراز خوشحالی از شنیدن خبر انتشار روزنامه تجارّتی در ایران، پیشنهاد کرد که گزارش‌های سودمند در آن منتشر کنند و

پرسید تا کی باید داستان ابن‌بطوطه را در روزنامه‌ها خواند و خاطرنشان کرد که جراید سودمند زمینه‌بیداری مردم را فراهم می‌آورد و در عین حال بی‌خبری مایهٔ صد غم است (ساکما، ۲۹۵/۷۹۷۰). علاوه بر این آزادی مطبوعات در آمریکا توجه حسین‌قلی خان را به این واقعه جلب کرده بود؛ زیرا تا پیش از آمدن به این کشور هیچ تصویری از چنین مقوله‌ای نداشت. برای نمونه اگر یک حاکم با روزنامه‌ای بی‌ادبانه صحبت کند، در انتخابات بعدی گرفتار مشکل خواهد شد (ساعتچیان، ۱۳۹۷: ۴۰ و ۳۰)؛ بدین ترتیب حسین‌قلی خان پس از آمدن به آمریکا دریافت یک خبرنگار معمولی در این کشور در واقع خودش یک شاه است و اگر از حاکمان انتقاد شود هیچ مشکلی پیش نمی‌آید. این در حالی بود که در ایران یک روزنامه‌نویس اگر از فرمانروای خود با بی‌احترامی سخن بگوید، فردای آن روز بازخواست می‌شود و حتی ممکن است جان خود را از دست بدهد.

باید گفت که شرح و روایات مطبوعات قاجاریه از تمدن غرب و به‌ویژه آمریکا صرفاً اخبار و واقعه‌نگاری‌های توصیفی نبودند؛ بلکه در چارچوب گفتمان انتقادی مهمی به نام جنبش تجدد قرار داشتند.^۱ در واقع ترقی‌خواهان به تفاوت‌های میان جایگاه مطبوعات در ایران و آمریکا که در تمامی عرصه‌ها به چشم می‌خورد، توجه ویژه‌ای داشتند.

روزنامه‌نگاری در این دو کشور از ارزش مالی، امتیاز روزنامه و جایگاه خبرنگار و روزنامه‌نگاران گرفته تا ساختمان روزنامه به کلی متفاوت از هم بود. در اینجا به نمونه‌هایی اشاره می‌شود. *روزنامهٔ اختر* در سال ۱۳۰۳ق (۱۲۶۴ش) به ارزش مالی روزنامه‌های آمریکا اشاره می‌کند که چگونه صاحب‌امتیاز *روزنامهٔ هرالد* پیشنهاد فروش روزنامه‌اش را به مبلغ دو میلیون و نیم دلار (معادل دو میلیون تومان) رد کرده است. *اختر* سپس به حقوق مخبران و روزنامه‌نگاران اشاره می‌کند که ماهیانه هر یک از سه الی شش هزار دلار دریافت می‌کنند و در پایان تفاوت تأسف‌بار وضعیت روزنامه و صاحب‌امتیازان آن در آمریکا با هم‌قطاران شرقی‌شان را مقایسه می‌کند (اختر، ۱۳۰۳: ۳۲۵۰). البته نظر به پشتکار و روحیهٔ کنجکاوی شایان توجهی که این مخبران داشتند چنین حقوق و مزایا برای آنان چندان زیاد هم نبوده است. برای نمونه میرزا رضاخان ارفع‌الدوله^۲ در توصیف پیاده‌شدنش از کشتی در نیویورک می‌نویسد: ۴۰

۱. برای اطلاع بیشتر در این خصوص (رک: ملایی توانی، ۱۴۰۰: ۹۲-۷۱).

۲. میرزا رضاخان متخلص به دانش و ملقب به ارفع‌الدوله از رجال اواخر عهد ناصری به شمار می‌آید. ارفع‌الدوله که در طول مسافرت سوم ناصرالدین شاه به فرنگ در ۱۳۰۶ تا ۱۳۰۷ق همراه وی بود بعد از بازگشت از این سفر با لقب «معین‌الوزرا» به سرکنسولگری ایران در قفقاز منصوب شد و مدتی بعد از آن به آمریکا سفر کرد (ارفع‌الدوله، ۱۳۷۸: مقدمه) خاطرات وی در طول سفر به آمریکا که به‌صورت کتاب هم چاپ شده است حاوی مطالب مهمی در خصوص آمریکا است (همان: ۴۶۴).

روزنامه‌نگار که شنیده بودند شخصی به نام پرنس ارفع در کشتی است به تصور اینکه او پسر شاه است مصمم شده بودند با او مصاحبه‌ای انجام دهند و چند عکس از وی بگیرند و در روزنامه‌هایشان چاپ کنند؛ بنابراین با قایق کوچکی به پیشواز او آمده بودند و وقتی برخلاف تصورشان متوجه شدند که ارفع نه پسر شاه است و نه شاهزاده، «به قدری عصبانی شدند که حمله آوردند به من گفتند که نه پسر شاهی و نه از خانواده شاه پس پرنس کجا هستید؟» (ارفع‌الدوله، ۱۳۷۸: ۴۶۱) او به دنبال این تجربه به محض ورود از کشتی تلاش کرده بود از روزنامه‌نگاران فاصله بگیرد: «برای اینکه از دست روزنامه‌نویسان در امان باشم به شهر بوستون رفتم.» (همان: ۴۶۹) بنابراین تفاوت زیادی در شیوه کار روزنامه‌نگاران آمریکا با هم‌قطاران ایرانی و شرقی‌شان وجود داشته تا آنجا که مایه حیرت شخص دنیادیده‌ای چون ارفع‌الدوله شده بودند.

تفاوت‌ها حتی در ساختمان روزنامه‌ها نیز مشهود بود. روزنامه تربیت در وصف ساختمان پنج طبقه هفته‌نامه همدم شباب می‌نویسد که این ساختمان بیشتر از آنکه شبیه «دارالطباعه» باشد به سرای سلطنت شباهت داشت (تربیت، ۱۳۲۱: ۱۱۷۷). علاوه بر این، از دیگر تفاوت‌هایی بسیار مهم، نقش زنان آمریکا در مطبوعات آن کشور بود. به موجب گزارشی در سال ۱۳۲۳ق (۱۲۸۴ش)، ۲ هزار و ۶۹۷ نفر زن روزنامه‌نویس در آمریکا فعال بودند. روزنامه مظفری در توضیح سهم برجسته زنان روزنامه‌نگار آمریکایی می‌نویسد: «یک نفر منصف بی‌غرض وضع جرایدی که زن‌ها در خارجه می‌نویسند و رواج آن‌ها را نسبت به جراید داخله ما موازنه کند تفاوت ترقی و تنزل در هر مورد از موارد دولتی و ملتی را بی‌چون‌وچرا خواهد فهمید.» (مظفری، ۱۳۲۳: ۱۱) آن چنان که مشاهده شد مطبوعات قاجاریه توانسته بودند تصویری دقیق از مطبوعات آمریکا و مسائل مربوط به آن را برای مخاطبان خود ترسیم کنند.

پ. تأثیر مطبوعات بر ترقی آمریکا از دریچه نگاه مطبوعات دوره قاجاریه

همان‌گونه که در مباحث قبلی گفته شد جمعی از روزنامه‌خوانان ایران دقیقاً از نقش بسزای مطبوعات در تحولات اجتماعی و مدنی آگاه بودند، این حقیقت با اشاراتی که آن‌ها در رابطه با نقش مطبوعات بر شکوفایی و رشد آمریکا ذکر کرده‌اند، بیش از پیش به اثبات می‌رسد. این جراید به‌خوبی توانسته‌اند تأثیر مطبوعات بر ترقی آمریکا را برای مخاطبان خود تشریح کنند. توصیف و روایت جایگاه مطبوعات در آمریکا چنان دقیق و جامع بوده است که نه تنها جزئی‌ترین مسائل مربوط به امور روزنامه و روزنامه‌نگاری و چاپ و توزیع آن را از نظر دور نداشته‌اند، بلکه جزئیاتی تأمل‌برانگیز نیز ارائه داده‌اند که گواه تحسین و ستایشی است که برای جایگاه مطبوعات در آمریکا قائل بوده‌اند. در اینجا مناسب است برای درک بهتر این موضوع

مصادیقی از این امر ارائه شود.

روزنامه/ختر در رابطه با نقش مطبوعات بر ترقی آمریکا می‌نویسد: «آمریکایی‌ها ۴۰۰ سال پیش در نهایت توحش زندگی می‌کردند، اما امروز به یمن مطبوعات متمدن‌ترین اهالی روی زمین شده است.» این روزنامه نتیجه می‌گیرد که میزان ترقی هر ملتی در امر تمدن نتیجه مطبوعات آن ملت است، سپس از جایگاه مطبوعات میان ایرانیان اظهار تأسف می‌کند و می‌نویسد: «حیف و صد حیف که هم‌وطنان ما مطالعه روزنامه را از جمله مشاغل بیهوده دانسته، ایرانیان بر این باور هستند اگر یک ساعت از وقت خود را به خواندن روزنامه بگذرانند باید در همان ساعت بهره‌ای مالی ببرند غافل از اینکه نخستین واسطه ترقیات مغرب زمین همین روزنامه‌ها بوده‌اند.» (اختر، ۱۳۰۵: ۳۹۷۹) روزنامه تربیت از زاویه‌ای دیگر به جایگاه رفیع مطبوعات در آمریکا می‌نگرد و می‌نویسد: «حاکم مقتدر در ینگ‌دنیا^۱ روزنامه است» که چنانچه فردی خلاقی مرتکب شود بلافاصله در روزنامه منعکس می‌شود و همگان از آن مطلع می‌شوند و در چنین شرایطی هیچ فردی امکان خلاف‌کاری ندارد (تربیت، ۱۳۱۵: ۱۱۱ و ۱۱۰). در واقع «مقامات آمریکایی از طریق کتاب و روزنامه‌جات معایب و قبایح اعمال ملت خود را بی‌محابا بیان کردند و حرف‌های ملت را گوش دادند و در اصلاح کار خویش برآمدند.» (ثریا، ۱۳۱۶: ۲) روی هم‌رفته آزادی قلم و بیان نویسندگان مطبوعات آمریکا بدان اندازه است که هر کاری بخواهند می‌کنند و بدون رضایت خاطر آن‌ها دولت نمی‌تواند به هیچ اقدامی دست بزند و در واقع واسطه و رابطه میان دولت و ملت قرار گرفته‌اند. روزنامه‌ثریا در این خصوص می‌نویسد: «به واسطه مطبوعات دولت ضعیف، قوی شود و ملت نادان، عالم گردد.» (ثریا، ۱۳۱۷: ۶) نگرش حاج سیاح از نخستین سفرنامه‌نویسان ایرانی در آمریکا به مطبوعات آمریکا نیز شایان توجه است، او اشاره می‌کند که چنانچه خطایی از کسی سر بزند روزنامه‌ها حق انتقاد و بازتاب آن را دارند و در چنین شرایطی طبیعی است که حقی پایمال نخواهد شد. او در پایان به این نتیجه می‌رسد که چنین وضعی گویای امر به معروف و نهی از منکر است که اساس اسلام است (سیاح، ۱۳۵۷: ۵۳).

علاوه بر موارد فوق روزنامه‌چهره‌نما هم راز ترقی آمریکا را در جرائد آن کشور می‌داند و برای نشان دادن اهمیت و نقش مطبوعات در ترقی یک کشور می‌نویسد: «رکن اول مدینه قوه

۱. در دوره قاجاریه علاوه بر آمریکا که برگرفته از نام امریکو بود (اعتمادالسلطنه، ۱۲۸۸: ۷۶ و ۷۵) از لفظ ینگ‌دنیا نیز برای نامیدن این سرزمین استفاده شده است، این عبارت ترکی به معنی دنیای جدید است (شیروانی، ۱۳۸۹: ۱۹۴۹) آمریکا را همچنین اتازونی هم نامیده‌اند. این اسم از زبان فرانسه گرفته شده اما در خود آمریکا از این نام استفاده نمی‌شد (آخوندزاده، ۲۵۳۵: ۲).

تقنینیه و تشریحیه و رکن ثانی قوه اجرائیه قوانین و تنفیذیه و رکن ثالث قوه عدلیه و قضاییه و رکن رابع آن قوه تحریریه روزنامه‌نگاری است که بی این قواعد ارکان اربعه مدینه سست متداعی بر تزلزل است.» (چهره‌نما، ۱۳۲۹: ۵) این روایات نمونه‌هایی از صدها و هزاران اظهارنظر مطبوعات قاجاریه قبل و بعد از مشروطه در ذکر اهمیت مطبوعات و تأثیر آن بر تحول همه‌جانبه آمریکا است، باید اذعان داشت آن‌ها به هر وسیله‌ای متوسل می‌شدند تا دولت و ملت را بیشتر به روزنامه و روزنامه‌خوانی ترغیب کنند.

نتایج شناخت ایرانی از ترقی و تحول مطبوعات در آمریکا

بدون شک در نتیجه اطلاعات و آگاهی‌های فراوان و ارزشمندی که این روزنامه‌ها از مقبولیت و محبوبیت روزنامه نزد مردم آمریکا برای مخاطبانشان ارائه کرده بودند تا اندازه‌ای ولو ناچیز توانسته بودند مخاطبان خود را بر لزوم پیگیری اخبار و توجه به روزنامه‌ها متقاعد کنند. البته روشن نیست این روزنامه‌ها تا چه اندازه در رویکرد حرفه‌ای و اصول خبرنگاری از هم‌تایان آمریکایی خود بهره گرفتند، اما در آخرین سال‌های حکومت قاجاریه مناسبات و تعامل دو طرف دیگر صرفاً از راه دور نبود؛ برای نمونه کنگره جراید آمریکا در سال ۱۹۲۱م/۱۳۴۰ق دعوت‌نامه‌ای برای روزنامه‌نگاران ایران فرستاده و تقاضا کرده بود که نماینده خود را در جلسات کنگره جراید آمریکا که از اوایل اکتبر ۱۹۲۱م تا اواسط آن ماه برگزار می‌شد اعزام دارند (استادوخ، شماره ۱)، البته از دعوت‌شدگان در این کنگره و نتایج آن اطلاعی در دست نیست.

همچنین در مطالب پیشین به تفصیل به انقلاب عظیمی که در روند نشر مطبوعات آمریکا روی داده بود، اشاره شد. واقعیت این بود که این انقلاب عظیم که آمریکا را سرآمد کشورهای غربی تبدیل کرده بود، ریشه در صنعت چاپ پیشرفته و مدرن آن کشور داشت. از نظر بسیاری از روشنفکران این دوره ماشین چاپ نقشی تعیین‌کننده در ترقی و رواج معارف و مطبوعات داشت. آن‌گونه که روزنامه مظفری می‌نویسد: «وضع مطابع و رواج مطبوعات خارجه معلوم است. وضع ممالک محروسه ایران هم از فقدان مطابع چیزی نیست که نامعلوم باشد.» (مظفری، ۱۳۲۳: ۱۴) بنابراین صنعت چاپ چیزی نبود که از نگاه ایرانیان پنهان مانده باشد. از جمله قدیمی‌ترین اشاره‌ها به تحول در صنعت چاپ در آمریکا اشاره وقایع/اتفاقیه در سال ۱۲۶۷ق (۱۲۲۹ش) است. این روزنامه می‌نویسد: یکی از روزنامه‌نویسان نیویورک چرخ‌ساخته است که ساعتی ۲۰ هزار نسخه روزنامه از آن بیرون می‌آید (وقایع اتفاقیه، ۱۲۶۷: ۹۸). همچنین روزنامه/ختر در این خصوص می‌نویسد: در ۱۳۱۱ق (۱۲۷۲ش) یکی از هنرمندان

آمریکا نیز هیکل انسانی اختراع کرده بود که به‌واسطه ماشین و به قوت بخار پاره‌ای حرکات می‌کرد (اختر، ۱۳۱۳: ۷۷۲۶). بر این اساس اطلاع ایرانیان از آغاز تحول در صنعت چاپ آمریکا سابقه‌ای دیرینه داشت.

مدت‌ها بعد یعنی در سال ۱۳۱۵ق (۱۲۷۶ش)، صحاف‌باشی^۱ در نیویورک دستگاه چاپ را دیده و آن را توصیف کرده بود. صحاف‌باشی در پایان توصیفش ضمن انتقاد به نبود مخترعین و به‌طور کلی صنعت چاپ در ایران می‌افزاید: «نمی‌دانم این نوع چیزهای آسان را چرا ما نداریم!» (صحاف‌باشی تهرانی، ۱۳۵۷: ۶۷ و ۶۶) مشابه این گزارش در روزنامه اطلاع هم آمده است (اطلاع، ۱۳۱۹: ۳). همچنین رضاقلی میرزا در بیروت به‌واسطه آشنایی با حکیمی آمریکایی به نام الی اسمیت که رئیس میسیون مذهبی آمریکا در لبنان بود با کارخانه باسمه و چاپ آشنا شد و در این رابطه می‌نویسد: «الحق کارخانه غربی در کمال صفا به نظر می‌رسید که تحریر آن مشکل است. جوانان پاکیزه مشغول بودند دقیقه‌ای چندین ورق را به چالاک‌ی چاپ کرده حیرتی تمام از آن کارخانه و اوضاع مطبع به هم رسید.» (نایب‌الایاله، ۱۳۴۳: ۲۷۷) اظهار حیرت سیاحان و نویسندگان ایرانی از دستگاه چاپ آمریکا طبیعی بود؛ زیرا در سال‌های قبل از انقلاب مشروطه وضعیت چاپ و نشر در ایران همچنان ابتدایی بود، به‌طوری‌که ادعا می‌شد در حد فاصل سی ساله (۱۳۱۷-۱۲۸۷ق) بیش از ۱۰۰ کتاب در چاپ‌خانه‌های تهران و تبریز و سایر بلاد منتشر نشده بود (ناصری، ۱۳۱۷: ۳)، اما با فرارسیدن دهه ۱۳۲۰ق (۱۲۸۱ش) وضعیت تا حدودی تغییر پیدا کرد. این تغییر را می‌توان از گزارش مفخم‌الدوله وزیر مختار ایران در واشنگتن استنباط کرد. در گزارشی که وی در این سال به وزارت امور خارجه ارسال کرده ضمن تأکید بر اینکه تا آن زمان ماشین تحریر برای نوشتن به زبان‌های عربی و فارسی و ترکی ساخته نشده بود، افزود که به‌تازگی شخصی آمریکایی ماشین تحریر ایرانی اختراع کرده است. به دنبال گزارش مفخم‌الدوله در خصوص این ماشین تحریر مظفرالدین شاه دستور داد سه دستگاه از آن را به ایران بفرستند (استادوخ، شماره ۳۰-۲۸). همچنین در سال ۱۳۲۴ق (۱۲۸۵ش) مشیرالدوله وزیر امور خارجه در نامه‌ای به ممتازالملک که جانشین مفخم‌الدوله در واشنگتن شده بود، خواستار ارسال سه دستگاه دیگر چرخ تحریر و ۲ دستگاه ماشین‌آلات حروف‌ریزی یا دستگاه چاپ برای شاه شد (استادوخ، شماره ۵۴ و ۵۳).

۱. در میان سفرنامه‌های برجای مانده از دوران قاجاریه سفرنامه «میرزا ابراهیم صحاف‌باشی تهرانی» که در ۱۳۱۵ق به نگارش درآمده است از اعتبار ویژه‌ای برخوردار بوده است؛ زیرا نوشته‌هایش در بردارنده آگاهی‌های اجتماعی و فرهنگی بسیار زیادی از آمریکا است (پرتو، ۱۳۸۲: ۱۲۴-۱۱۸). صحاف‌باشی در نگارش سفرنامه خود نگاهی روشنفکرانه و نقاد دارد. همچنین دیدنی‌ها را نه فقط از روی تفنن بلکه برای تعامل و تعمق و دانستن و مقایسه کردن دیده است. او بی‌پرده و صادقانه رفتار اجتماعی مردم اروپا و آمریکا را زیر ذره‌بین نگاه خود می‌برد.

البته به‌رغم ورود این دستگاه‌ها به ایران، ماشین تحریر تا سال‌ها بعد برای ایرانیان همچنان وسیله‌ای مهم و مطلوب باقی ماند؛ به‌طوری‌که مفخم‌الدوله در پاسخ به سؤال مسیو پیرسون^۱ وزیر مختار آمریکا در تهران مبنی بر اینکه رئیس‌جمهور آمریکا چه هدیه‌ای برای شاه ایران بفرستد پاسخ داده بود بهترین یادگاری ماشین تحریر است (استادوخ، ۱۳۲۹، شماره ۷۱). از مجموع این گزارش‌ها چنین برمی‌آید که ایرانیان و به عبارت بهتر هیئت حاکمه ایران به‌محض آگاهی از اختراع ماشین‌های جدید چاپ و تحریر در آمریکا آن را تهیه کردند، اما ظاهراً این دستگاه‌ها تا سال ۱۳۲۳ق (۱۲۸۴ش) هنوز وارد کشور نشده یا اگر شده بود، هنوز از آن استفاده نشده بود، در این راستا روزنامه مظفری در سال ۱۳۲۳ق می‌نویسد: «به‌رغم اینکه چهار سال است اداره مظفری افتتاح شده است کتب ادعیه مذهبی مورد نیاز ایرانیان همچنان در هند چاپ می‌شود.» (مظفری، ۱۳۲۳: ۱۴) انتقادات از وضعیت تأسف بار کمی و کیفی صنعت چاپ و نشر در ایران همچنان باقی بود. گفته می‌شد در ممالک متمدنه هر سال در علوم جدید، ادبیات، صناعت و تواریخ کتاب تألیف می‌شود و از این رهگذر می‌توان فهمید تا چه اندازه این تألیفات برای ملت سودمند خواهد بود، حال آنکه در ایران سالانه تنها چند جلد کتاب با عناوینی همچون *خاله سوسکه* و *دزد قاضی* به چاپ می‌رسد (همان: ۴)؛ بنابراین در این دوره انعکاس تحول صنعت چاپ آمریکا در مطبوعات و در خاطرات سیاحان سبب شد، مقامات دولتی بیش‌ازپیش به وضعیت تأسف بار صنعت چاپ و نشر در ایران توجه کنند و در این راستا از این کشور دستگاه چاپ بخرند.

نتیجه‌گیری

در پژوهش حاضر نگاه بسیاری از ترقی‌خواهان و روشنفکران ایرانی دوره قاجاریه به جایگاه مطبوعات در آمریکا به تصویر کشیده شد تا بتوان از دریچه آن‌ها فهم کرد که چرا و چگونه در دوره قاجاریه آمریکا به‌عنوان الگویی مطلوب برای روزنامه‌نگاری مدنظر قرار گرفت. در این راستا روشنفکران در چارچوب اندیشه تجدد به‌گونه‌ای قاطع و نظام‌مند با نگاهی انتقادی از یک طرف اوضاع مطبوعات ایران را بررسی می‌کردند و از طرف دیگر مطبوعات را یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های تحول سریع و توسعه در آمریکا می‌دانستند. محافل روشنفکری با ارائه آمار و ارقامی از رشد مطبوعات آمریکا علاوه بر نشان‌دادن برتری این کشور بر سایر کشورهای اروپایی، مخاطبان را به پیشرفت آمریکا در عرصه روزنامه‌نگاری و عقب‌ماندگی ایران و لزوم

۱. مسیو پیرسون از اعضای پارلمان واشنگتن بود که در ۱۵ دسامبر ۱۹۰۲م / ۱۴ اردیبهشت ۱۳۲۰ق به‌عنوان وزیر مختار آمریکا در ایران جانشین مسیو کریسکوم می‌شود (استادوخ، شماره ۲).

تغییر و تحول همه‌جانبه در این حوزه آگاه کردند. آن‌ها به این نتیجه رسیدند که حمایت‌های دولت آمریکا و نیکوکاران در کنار اختراع‌ها جدید در صنعت چاپ و همچنین تلاش و ایده‌های افرادی که در حوزه ترویج فرهنگ روزنامه‌خوانی فعال بودند، نقش بسزایی در تحول این صنعت ایفا کردند.

باید گفت که فعالیت و روشنگری‌های مصلحان و دگراندیشان از دو جنبه کوتاه‌مدت و بلندمدت نیازمند بررسی است؛ یعنی نتایج این مقاله نشان می‌دهد که این افراد در کوتاه‌مدت نتوانستند ایده‌هایی را که داشتند به نتایج مطلوب برسانند، اما در بلندمدت تا اندازه‌ای ولو ناچیز توانستند مخاطبان خود را بر لزوم پیگیری اخبار و توجه به روزنامه‌ها متقاعد کنند، به گونه‌ایی که حتی برای دستیابی به اطلاعات بیشتر در این حوزه در آخرین سال‌های حکومت قاجاریه ایرانیان در کنگره جراید آمریکا شرکت کردند. در این رابطه گزارش‌های نمایندگان سیاسی ایران در آمریکا، به‌ویژه اسحاق مفخم‌الدوله، در کنار مطبوعات و روزنامه‌های آن دوره نقشی قطعی در تنویر آگاهی هیئت حاکمه داشتند. در واقع این گزارش‌ها دولتمردان و دستگاه حکومت قاجاریه را متوجه لزوم تغییر و الگوبرداری از آمریکا کرد، به طوری که دولتمردان تحت تأثیر این فضای فکری از دستاوردها و تکنولوژی‌های جدید آمریکایی برای پیشرفت در صنعت جراید استقبال کردند.

منابع

- آخوندزاده، میرزا فتحعلی (۱۳۵۵) *مقالات فارسی*، به‌کوشش حمید محمدزاده، تهران: نگاه.
- آدمیت، فریدون (۱۳۴۸) *امیرکبیر و ایران*، تهران: خوارزمی.
- ارفع (ارفع‌الدوله)، رضا (۱۳۷۸) *خاطرات پرنس ارفع‌الدوله*، به‌کوشش علی دهباشی، تهران: نشر شهاب
- ثاقب با همکاری سخن
- اعتمادالسلطنه، محمدحسن‌بن‌علی (۱۲۸۸ق) *تاریخ انکشاف ینگی دنیا*، چاپ سنگی، تهران: بی‌نا.
- اعتمادالسلطنه، محمدحسن‌خان (۱۳۶۳) *المآثر و الآثار (چهل سال تاریخ ایران)*، به‌کوشش ایرج افشار، جلد ۱، تهران: اساطیر.
- پرتو، افشین (۱۳۸۳) «میرزا ابراهیم صحاف‌باشی، سیاح ایرانی»، کتاب *ماه، تاریخ و جغرافیا*، شماره ۷۸ و ۷۷، ۱۱۸-۱۲۴.
- پروین، ناصرالدین (۱۳۷۷) *تاریخ روزنامه‌نگاری ایرانیان و دیگر پارسی‌نویسان*، جلد ۱، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- جهانی، فرشته؛ ملایی‌توانی، علیرضا (۱۴۰۰) «آشنایی ایرانیان با جایگاه زن در جامعه آمریکایی از رهگذر مطبوعات و مدارس میسیونری در دوره قاجاریه»، *تاریخ اسلام و ایران*، دوره ۳۱، شماره ۵۰، ۹۲-۷۱.

جهانی، فرشته؛ رحمانیان، داریوش (۱۳۹۹) «بازتاب نظام آموزشی آمریکا در اندیشه ایرانیان دوره قاجاریه و نتایج آن»، *جستارهای تاریخی*، دوره ۱۱، شماره ۱، ۴۸-۱.

سیاح، محمدعلی بن محمد رضا (۱۳۵۹) *خاطرات حاج سیاح یا دوره خوف و وحشت*، به تصحیح سیف الله گلکار، تهران: چاپخانه سپهر.

زارع، غفار (۱۳۸۸) «درآمدی بر نمادهای نوگرایی در ایران»، *زمانه*، شماره ۸۱، ۴۴-۴۰.

ساعتچیان، علیرضا (مترجم و گردآورنده) (۱۳۹۷) *ایرانیان از نگاه آمریکاییان، ایران عهد قاجار در روزنامه‌های آمریکا*، تهران: پارسه.

شیروانی، حاج زین العابدین (۱۳۸۹) *بستان السیاحه*، جلد ۳، تهران: حقیقت.

صحاف‌باشی‌تهرانی، ابراهیم (۱۳۵۷) *سفرنامه*، به کوشش محمد مشیری، تهران: شرکت مؤلفان و مترجمان ایران.

فرناندترو، پیرآلبر (۱۳۶۳) *تاریخ مطبوعات جهان*، ترجمه هوشنگ خجسته، تهران: پاسارگارد.

قاسمی، فرید (۱۳۸۰) *سرگذشت مطبوعات ایران؛ دوران محمدشاه و ناصرالدین شاه*، جلد ۱، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

نایب‌الایاله، رضاقلی میرزا (۱۳۴۳) *سفرنامه*، به کوشش اصغر فرمانفرمایی قاجار، تهران: اساطیر.

ب. روزنامه‌ها و مجلات

- روزنامه اختر (۱۳۰۳ق) سال ۱۲، شماره ۳۵.
- _____ (۱۳۰۴ق) سال ۱۳، شماره ۱۱.
- _____ (۱۳۰۵ق) سال ۱۴، شماره ۱۲.
- _____ (۱۳۱۱ق) سال ۲۰، شماره ۸.
- _____ شماره ۴۷.
- _____ (۱۳۱۳ق) سال ۲۲، شماره ۱۸.
- روزنامه اطلاع (۱۳۰۶ق) شماره ۲۱۸.
- _____ (۱۳۱۹ق) شماره ۵۶۱.
- روزنامه ایران (۱۲۹۲ق) شماره ۲۴۵.
- _____ (۱۲۹۶ق) شماره ۲۱۵.
- روزنامه ایران نو (۱۳۲۸ق) شماره ۱۴۴.
- روزنامه تربیت (۱۳۱۵ق) شماره ۲۸.
- _____ (۱۳۲۱ق) شماره ۲۸۳.
- روزنامه ثریا (۱۳۱۶ق) سال اول، شماره ۱.
- _____ شماره ۴.
- _____ سال ۲، شماره ۴.

تاریخ‌نگری و تاریخ‌نگاری، سال ۳۱، شماره ۲۸، پاییز و زمستان ۱۴۰۰ / ۷۷

_____ (۱۳۱۷ق) سال ۲، شماره ۶.

روزنامه چهره‌نما (۱۳۲۴ق) سال ۲، شماره ۲۳.

_____ سال ۳، شماره ۲۷.

_____ (۱۳۲۹ق) سال ۸، شماره ۵.

_____ (۱۳۳۰ق) سال ۹، شماره ۱۲.

روزنامه حبل‌المتین (۱۳۱۵ق) سال ۱۵، شماره ۱۹.

_____ (۱۳۱۹ق) سال ۷، شماره ۱۵.

_____ سال ۹، شماره ۱۳.

_____ (۱۳۲۶ق) شماره ۲۷۱.

_____ (۱۳۲۹ق) سال ۱۹، شماره ۱۲.

روزنامه گنجینه فنون (۱۳۲۱ق) شماره ۹.

روزنامه مظفری (۱۳۲۳ق) سال ۴، شماره ۲۰.

_____ شماره ۱۸.

_____ سال ۶، شماره ۲۷.

روزنامه ناصری (۱۳۱۵ق) سال ۴، شماره ۱۳.

_____ (۱۳۱۷ق) سال ۶، شماره ۳۲.

روزنامه وقایع اتفاقیه (۱۲۶۷ق) شماره ۲۰.

مجله بهار (۱۳۲۹ق) سال اول، شماره ۱۰.

_____ شماره ۱۲.

پ. اسناد

سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران (ساکما) سند شماره، ۲۹۵/۷۹۷۰
اداره اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه (استادوخ) (۱۳۲۹ق)، سند شماره سریال ۱۶-۱۴،
پوشه ۱، کارتن ۲۰

_____ (۱۳۲۸ق) سند شماره ۴-۲، پوشه ۳، کارتن ۲۰

_____ (۱۳۲۹ق) سند شماره ۷۱، پوشه ۳، کارتن ۱۰

_____ (۱۳۲۰ق) سند شماره ۲، پوشه ۳، کارتن ۱۰

_____ (۱۳۲۴ق) سند شماره ۴۲، ۵۴، پوشه ۵،

کارتن ۲۰

_____ (۱۳۲۰ق) سند شماره ۲۸، ۳۰، پوشه ۱/۳،

کارتن ۲۰

_____ (۱۳۰۰ش) سند شماره ۱، پوشه ۷، کارتن ۶۱

List of sources with English handwriting

- Arfa' al-Dawlah, Prince (1999). *ḳāṭerāt-e Prince Arfa' al-Dawlah*, edited by Ali Dehbashi, Tehran: Shahab Saqib Publishing House in collaboration with Sokhan Publishing House.
- E'temād al-Saltaneh, Mohammad Ḥassan b. Ḥājī 'Alī-ḳān (1288 AH). *Tārīḳ-e Enkešāf-e Yangī Donyā*, Chap Sangi, Tehran.
- E'temād al-Saltaneh, Mohammad Ḥassan ḳān(1984); *Al-Ma'āfir al- Ātār* (forty years of Iran's history), edited by Iraj Afshar, vol.1, Tehran: Asāfir.
- Iranians from the eyes of Americans. *Qajar era Iran in American newspapers* (2017), translated by Alireza Saatchian, Tehran: Parse.
- Akhundzadeh, Mirza Fathali (2535). *Farsi articles*, by the effort of Hamid Mohammadzadeh, Tehran: Negah.
- Adamiyat, Fereydu (1969). *Amirkabir and Iran*, Tehran: ḳārazmī.
- Parto, Afshin (1383). *Mirza Ebrahim Sahaf-bashi, Iranian traveler, Book of the Month of History and Geography*, No. 78, 77.
- Parveen, Naseruddin (1377). *Journalism history of Iranians and other Persian writers*, Vol. 1, Ch. 1, Tehran: University Publishing Center.
- Haj Sayah (1359), *Memoirs of Haj Sayah or the Period of Fear and Terror*, by Haj Sayah and corrected by Saifullah Golkar, Tehran: Sepehr Printing House.
- Fereshte Jahani, Alireza Mollaiy Tavani. "Familiarity of Iranians With the Position of Women in American Society Through the Press and Missionary Schools in the Qajar Period", *History of Islam va Iran*, Volume 31, Number 50.
- Daruish Rahmanian, Fereshte Jahani, "Reflection of the American educational system on Iranian thought of Qajar era and its results", *Historical studies*, Volume 11, Number 1.
- Zare, Ghafar, (1388), an introduction to the symbols of modernism in Iran, *Zamaneh magazine*, number 81, pp. 44-40
- Shirvani, Haj Zain al-Abidin (1389), *Bostān al-Sayaha*. Volume 3, Tehran: Ḥaqīqat.
- Sahaf-bashi Tehrani, Ibrahim (1357), *Safarnāme*, Edited by Mohammad Moshiri, first edition, Tehran: Company of Iranian Authors and Translators.
- Fernandero, Pierre Albert-Birot (1363). *History of world press*, translated by Hoshang Khojaste, first chapter, Tehran: Pasargard.
- Ghasemi, Farid, (2010), *the history of Iran's press; The era of Mohammad Shah and Nasereddin Shah*, Volume 1, Tehran: Publications of the Ministry of Culture and Islamic Guidance.
- Nā'ib Al-Ayāle, Rezā Qolī Mūrzā (1343). *Safarnāme*, by Asghar Farmanfarmai Qajar, Tehran: Asāfir.

b. Newspapers and magazines

- Aḳtar newspaper (1303 AH), year 12, number 35.
- Aḳtar newspaper (1304 AH), year 13, number 11.
- Aḳtar newspaper (1305 AH), year 14, number 12.
- Aḳtar newspaper (1311 AH), year 20, number 8
- Aḳtar newspaper (1311 AH), year 20, number, No. 47.
- Aḳtar newspaper (1313 AH), year 22, number 18.
- Eṭelā'āt newspaper (1306 AH), number 218.
- Eṭelā'āt newspaper (1319 AH), number 561.
- Iran newspaper (1292 AH), number 245.
- Iran newspaper (1296 AH), number 215.
- Iran-e Nū newspaper (1328 AH), number 144.
- Tarbīyat newspaper (1315 AH), number 28.
- Tarbīyat newspaper (1321 AH), number 283.
- ṭorayā newspaper (1316 AH), first year, number 1.
- ṭorayā newspaper (1316 AH), first year, number, number 4.
- ṭorayā newspaper (1316 AH), year 2, number 4.

torayā newspaper (1317 AH), year 2, number 6.
Āhre-Namā newspaper (1324 AH), year 2, number 23.
Āhre-Namā newspaper (1324 AH), Year 3, No. 27.
Āhre-Namā newspaper (1329 AH), year 8, number 5.
Āhre-Namā newspaper (1330 AH), year 9, number 12.
Ḥabl al-Matīn newspaper (1315 AH), year 15, number 19.
Ḥabl al-Matīn newspaper (1319 AH), year 7, number 15.
Ḥabl al-Matīn newspaper (1319 AH), Year 9, number 13.
Ḥabl al-Matīn newspaper (1326 AH), number 271.
Ḥabl al-Matīn newspaper (1329 AH), year 19, number 12.
Ganjīneh Fonūn newspaper (1321 AH), number 9.
Moẓaffarī newspaper (1323 AH), year 4, number 20.
Moẓaffarī newspaper (1323 AH), year 4, Number 18.
Moẓaffarī newspaper (1323 AH), Year 6, No. 27.
Nāṣerī newspaper (1315 AH), year 4, number 13.
Nāṣerī newspaper (1317 AH), year 6, number 32.
Rūz-nāme Vaqāye'e Etefāqīye (1267 AH), number 20.
Bahar magazine (1329 AH), first year, number 10.
Bahar magazine (1329 AH), first year, number, No. 12.

J. documents

Sāzmān-e Asnād va Ketābkān-e Mellī-ye Īran (SAKMA), Document No. 295/7970
EDār-e Asnād va Tārīk-e Dīplomāsī Vezārat-e Omūr-e kārēj-e (Estadukh), document serial number 16-14-folder 1-carton 20-1329 AH.
EDār-e Asnād va Tārīk-e Dīplomāsī Vezārat-e Omūr-e kārēj-e (Estadukh), Document No. 2-4- Folder 3- Carton 20- 1328
EDār-e Asnād va Tārīk-e Dīplomāsī Vezārat-e Omūr-e kārēj-e (Estadukh), Document No. 71- Folder 3- Carton 10- 1329
EDār-e Asnād va Tārīk-e Dīplomāsī Vezārat-e Omūr-e kārēj-e (Estadukh), Document No. 2- Folder 3- Carton 10- 1320 AH
EDār-e Asnād va Tārīk-e Dīplomāsī Vezārat-e Omūr-e kārēj-e (Estadukh), Document No. 42, 54- Folder 5- Carton 20- 1324
EDār-e Asnād va Tārīk-e Dīplomāsī Vezārat-e Omūr-e kārēj-e (Estadukh), Document No. 28, 30- Folder 1/3- Carton 20- 1320 AH.
EDār-e Asnād va Tārīk-e Dīplomāsī Vezārat-e Omūr-e kārēj-e (Estadukh), Document No. 1- Folder 7- Carton 61- 1300 Sh.



©2020 Alzahra University, Tehran, Iran. This article is an open-access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International (CC BY-NC-ND 4.0 license) (<https://creativecommons.org/licenses/by-nc-nd/4.0/>)

پرتال جامع علوم انسانی

Representation of American press developments in Qajar era newspapers and its effect on the journalism process of this period¹

Fereshteh Jahani²

Received: 2021/10/30
Accepted: 2022/06/16

Abstract

The press, including journals, newspapers, and magazines, was one of the main pillars of intellectual flow and change in Iran during the Qajar era.

One of the effective strategies of journalists to raise awareness and create demand among the people was to introduce the media and express its importance in the course of progress and innovation in Western societies. among different countries, American newspapers were considered as a model for dissidents and press activists in the Qajar era.

Using an explanatory approach and drawing on the concept of modernism and the critical discourse of Qajar-era reformers, this article answers the question of how Iranian newspapers in this period introduced the progress of the press in America and what achievements this awareness had for Iranians. by examining the press of the Qajar era and the unpublished documents of the State Department, it was hypothesized that Iranian dissidents methodically, by writing numerous articles about the flourishing and prosperity of the press in America, explained the role of newspapers in creating social and political change and progress in this country. and they believed that creating change in the social and political structures of Iran also required the development of the press and awareness through it. Believing themselves to be guided by the American experience, Iranian journalists and diplomats in Washington promoted the expansion of the press and the improvement of its quantitative and qualitative situation in Qajar era Iran. The entry of the printing industry from America and participation in the Newspaper Congress of this country also followed this model.

Keywords: American press, Qajar press, printing industry, progressives, diplomats.

1. DOI: 10.22051/hph.2022.38298.1574

2. A sessional lecturer at the Department of History, Ilam University, Ilam, Iran. fereshtejahani65@gmail.com

Print ISSN: 2008-8841/ Online ISSN: 2538-3507